

باگذشت بیش از چهار دهه از انقلاب اسلامی و تغییرات گسترده در روابط بین الملل و نظم جهانی، اکنون الزامات پابندی به اصل «نه شرقی، نه غربی» و پیشبرد راهبرد «شرق و غرب» را چه می‌دانید تا در نتیجه مدیریت متوازن این دو، به اهدافی مانند ثبات امنیت ملی، تقویت دیپلماسی اقتصادی، لغو تحریم‌ها و... دست یابیم؟ به عبارت دیگر، به لحاظ پارادایمیک چگونه باید در روابط بین الملل بین دو پارادایم واقع‌گرایی و آرمان‌گرایی به هماهنگی رسید؟

سیاست‌گرایی به شرق از این جهت اهمیت دارد که زیرساخت‌های موازنه رفتار و روابط خارجی ایران را در شرایط تهدید تصاعدیابنده متعادل می‌سازد. ایران همواره در سیاست خارجی خود جهت‌گیری نیروی سوم را در دستور کار قرار داده است. بهره‌گیری از نیروی سوم را می‌توان به مثابه سیاست بازیگرانی دانست که برای تأمین حداقل‌های منافع ملی چاره‌ای جز موازنه‌سازی در روابط منطقه‌ای و سیاست بین‌الملل ندارند.

همان‌گونه که در حوزه راهبردی، زمین‌منزاعه، چگونگی کنش تاکتیکی و عملیاتی را مشخص می‌کند، در عرصه سیاست خارجی نیز آرایش نیروها و چگونگی کنش بازیگران، نقش بسیار تعیین‌کننده‌ای برای تبیین و بازتولید سیاست خارجی کشورها دارد. مطالعات انجام شده توسط «رابرت ماندل» نشان می‌دهد که شیوه‌های مختلفی از «سیاست قدرت» توسط بازیگران در سیاست بین‌الملل وجود دارد. ماندل در تحلیل خود، رفتار کشورها را در قالب چندجانبه‌گرایی و تحرک مؤثر قرار داده است. به عبارت دیگر، چندجانبه‌گرایی را می‌توان «حد واسطه» رهیافت آرمان‌گرایانه و رئالیستی دانست.

جهت‌گیری سیاست خارجی باید بتواند زمینه تحقق آرمان‌ها را فراهم آورد. آرمان‌های راهبردی سیاست خارجی ایران ریشه در فرهنگ سیاسی و شکل‌بندی‌های محیط ژئوپلیتیکی دارد. نشانه‌هایی از جهان‌گرایی و فرامنطقه‌گرایی را می‌توان در نشانگان سیاست خارجی ایران در دوران‌های مختلف مشاهده کرد. چنین رویکردی ریشه در جایگاه تاریخی و موقعیت راهبردی ایران در دوران گذشته داشته که به‌گونه‌ای وقفه‌ناپذیر در اندیشه سیاست خارجی و روندهای راهبردی ایران بازتولید شده است. آرمان‌های سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را می‌توان در تحقق اهدافی همانند «قدرت منطقه‌ای»، «پایگاه جنبش‌های آزادی‌بخش» و «محوریت مقابله با نظام سلطه» دانست.

رویکرد نگاه به شرق در سیاست خارجی ایران مبتنی بر نشانه‌هایی از کنش همکاری جویانه خواهد بود. سیاست نگاه به شرق بیانگر این واقعیت است که چگونه می‌توان چندجانبه‌گرایی را با نشانه‌هایی از همکاری متقابل در محیط بحرانی پیوند داد. نگاه به شرق به مفهوم رویکردی پویا در سیاست خارجی خواهد بود. مقابله با تهدیدات نوظهور را باید به عنوان بخشی از ضرورت‌های بنیادین سیاست خارجی ایران دانست. نگاه به شرق بیانگر متنوع‌سازی تحرک ژئوپلیتیکی ایران در روند سیاست خارجی بوده و می‌تواند ضریب اطمینان بخشی فراگیرتری را برای جمهوری اسلامی ایجاد کند.

چندجانبه‌گرایی و نگاه به شرق را می‌توان در زمره سازوکارهای قدرت‌ساز برای مقابله با تهدیدات دانست. ایران، چین و روسیه از انگیزه لازم برای مقابله با تهدیدات هویتی و ژئوپلیتیکی مشترک برخوردارند. برخی از این تهدیدات می‌تواند ماهیت منطقه‌ای داشته و برخی دیگر در چارچوب شکل‌بندی‌های بین‌المللی تعریف می‌شود. هرگونه کنش دیپلماتیک و همکاری‌های نظامی براساس واقعیت‌های محیط منطقه‌ای و بین‌المللی شکل می‌گیرد. چندجانبه‌گرایی و مشارکت امنیتی با چین و روسیه از این جهت اهمیت دارد که می‌تواند زمینه‌های لازم برای تولید قدرت در جهت مقابله با تهدیدها را به وجود آورد. هرگونه قدرت‌سازی بخشی از ضرورت مربوط به همکاری‌های منطقه‌ای برای رویارویی با کارگزاران و فرآیندهایی است که محیط امنیتی را با چالش روبه‌رو می‌سازند. هر یک از مؤلفه‌های یادشده را می‌توان به عنوان بخشی از ضرورت‌های کنش سیاسی و ژئوپلیتیکی ایران در محیط منطقه‌ای و بین‌المللی دانست. ۱